

خواهد رسیدن یانی در زمین میان کار او بدین نیاز بود
چگونه از خود جزو اردان مرد را این سخن در این اثر کرد
چنانکه از خود بخود شد بعد از زمانی بخود آمد گفت بفرستی
گویند که بدان سخن مثل کنم و در قیامت از دستکاران
باشم خواه عهد الحاق من فرمودند که سر کار است هر که
این سر کار است دارد با خدا نزدیک تر شود و از آن با
دور باشم انون از آن سر کار یکی این است هر که دوست دارد
طعام خوش خوردن را بدو نزدیک شود و بدین است که او
با نزدیک شود هر که با تو انرا نشیند دیگر لباس خوب پوشد
از سرانند این هر که از هوا نفس است و هر که بر او هم آید
رود و در آن جای اوست زمینار که از این کار با دور باشی
تا فریای قیامت در غانی **نقل است** که وقتی خواججه عبدالمالک
رحم الله علیه در غایت کتاب بر اید صومعه خود بعبادت مشغول
بودند در هر سالگی ایشان صیغه بود با شوهر خود هر چه دوست
میکرد و گفت قریب است سال است که در خانه تو می آید

وادی

درستی با بر بند درستی بمر بصد کردم و در سر ما و بر ما
بن رسید بمر را بخیل کردم و هر چه آوردی زیادت طلبید
و نام و ننگ تو نگاه داشتم و از تو پیش کسی شکایت نکردم
همه از برای آن بخیل کردم تا تو مرا بشی و مرا ترا بشی اما اگر
انفکات کنی با جزیره و دیگر را که بینی دست من دهم خواهی بود
تا آنگاه که دو دنیا بدست از دین خواهد بر نماند از آن
سخن آن صیغه وقت من خوشی است و آب از چشم برود
شد فوری کردم و با خود گفتم ای عبدالمالک این صیغه در
مخلوقی چنین در دست آمده است که منبوی جنت را بخیل کرد
این سخن سبغی مرزندگان را باشد اندیشه که این سخن را
در قرآن دلیل بر ایمان است را با فم خداوند تعالی فرماید
ان الله یفر ال بشر کل ب و یفر ما رون ذلک من بینه
خداوند تعالی فرماید که درستی و راستی که خداوند تعالی
کنان شمارا بیاورد اما اگر بگویند خاطر ما و دیگر میس کنی
شکرگاری هرگزت نیافرزم و اگر ننویسند سر موی بگری